مکعب سفید

به بهانه نمایشگاه فرشید ملکی در گالری طراحان آزاد

موجودات معلق در فضا

آرزو جعفریان

■ این روزها نمایشگاه نقاشی‌های فرشید ملکی با عنوان «تعلیق» در گالری طراحان آزاد برپاست. در این نمایشگاه ۱۹ اثر میکس مدیا در ابعاد ۷۰×۱۰۰ در دید عموم قرار گرفته است. این آثار همگی آبستره فیگوراتیو بوده و شامل حیواناتی معلق در فضایی آبی‌رنگ می‌شوند. آثار تازه او در این نمایشگاه رنگ‌آمیزی و شکل و شمایلی متفاوت از کارهای قبلی او که شامل طراحی‌هایی اغلب سیاه و سفید با ابعادی کوچک می‌شوند، دارند. ملکی در خلق آثارش به دنبال بیان هویت ملی و فرهنگی نیست و در این دوره بیشتر خود را به نقاشانی با کارهای بازنمایانه و فیگوراتیو غرب نزدیک می‌بیند. این آثار فیگوراتیو با تکنیک میکس مدیا روی مقوا خلق شده‌اند، ملکی در ارایه این آثار از مرکب خوشنویسی، ماژیک‌های رنگی، اکریلیک و نمدهایی که به صورت دسته‌ای به هم متصلند، بهره گرفته است. رنگ‌گذاری‌های نقاشی‌های ملکی به شکلی منحصر به فرد و متفاوت است. او در این‌باره می‌گوید: من این نوع رنگ‌آمیزی را قبلا ندیده بودم اما نمی‌توان گفت من ابداع کننده آن هستم چون تمامی این تجربه‌ها و کارها شاید قبلا انجام شده باشد و شاید هم نشده باشد من این را نمی‌دانم. من گرایش شدیدی به خط دارم یعنی عنصر خط هست که مرا در انجام این کارها رهبری می‌کند. آثار من همگی بدون پیش‌فکر انجام می‌شود و بدون اینکه هیچ‌گونه تضمینی از قبل داشته باشد، بی‌فکر شروع می‌شود و به اتمام می‌رسد و اغلب به خاطر اینکه از کار کردن خسته نشوم ابزار، وسایل و مواد کاریم را بعد از مدتی تغییر می‌دهم و همین عوض کردن ابزار باعث می‌شود ابعاد و جناح مختلف شخصیت من در آثار دیده شود. او از حاشیه‌های ساده رنگی که از سال‌ها پیش در آثارش استفاده می‌کرده در دور تا دور این نقاشی‌ها کمک گرفته تا حس حرکت را به بیننده القا کند و نشان دهد این موجودات معلق در رفت و آمدند. حیوانات آثار او همگی در وسط تابلو و در مرکز سقل تابلو قرار گرفته تا بیننده در نگاه اول به اثر درگیر این موجود معلق در فضای آبی‌رنگ شود و مصداقی بین این فضا با محیط اطراف زندگی روزمره به وجود آورد. ملکی در این‌باره می‌گوید: کار من با خط است من در لابه‌لای این خطوط به دنبال چیزهایی هستم که کم‌کم پیدا می‌شوند و بعد به وسیله ماژیک‌های دیگر جواب آنها را می‌دهم و با ماژیک‌های رنگی، نمدها و مرکب خوشنویسی روی آن کار می‌کنم و در آخر از رنگ اکریلیک استفاده می‌کنم که روی بعضی چیزها را بپوشانم. فرشید ملکی متولد ۱۳۲۲ تهران است. او لیسانس خود را در رشته گرافیک

از دانشکده هنرهای تزیینی تهران و فوق لیسانس خود را از دانشگاه ردینگ انگلستان گرفته است. ملکی استادیار بازنشسته دانشگاه هنر است و تاکنون در ۱۴ نمایشگاه انفرادی در گالری‌های گلستان، آرپا، ۷ ثمر، طراحان آزاد، تالار قندریز، انستیو گوته، گالری B۲۱ در دوبی و... شرکت داشته و در نمایشگاه‌های متعدد گروهی در خارج از کشور آمریکا، ارمنستان، انگلستان و عربستان حضور داشته است. آثار ملکی تا تاریخ ۱۴ اردیبهشت روی دیوار نگارخانه طراحان آزاد واقع در میدان فاطمی ـ میدان گلها ـ میدان سلماس ـ شماره پنج آویخته شده‌اند و علاقه‌مندان می‌توانند همه‌روزه به جز پنجشنبه‌ها از ساعت چهار تا هشت شب از این آثار دیدن کنند.

خبر

شاهکارهای «دالی»، «پیکاسو» و «مونه» در نیویورک

■ **ایسنا:** آثار هنری نقاشان برجسته‌ای چون «پابلو پیکاسو»، «سالوادور دالی»، «پل گوگن» و «کلود مونه» و بسیاری از نقاشان معروف دیگر در حراجی هفته آینده «کریستی» در نیویورک به حراج گذاشته می‌شوند. این آثار نقاشی در حراجی فصل بهار آثار مدرن و امپرسیونیستی «کریستی» که روز سوم ماه می (۱۳ اردیبهشت‌ماه) در نیویورک آغاز به کار می‌کند، به فروش گذاشته می‌شوند. «صنوبرها» نام نقاشی رنگ و روغنی است که در سال ۱۸۹۱ توسط «کلود مونه» کشیده شده و بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون دلار ارزش‌گذاری شده است. «کلود مونه» بنیان‌گذار سبک امپرسیونیسم در نقاشی فرانسوی بود. اصطلاح امپرسیونیسم از یکی از نقاشی‌های او با عنوان «امپرسیون» نشات گرفته است. وی از سال ۱۹۱۴ به بعد در دوره‌ای طولانی به کشیدن چنین تابلوهایی پرداخت. از دیگر نقاشی‌های مطرح این حراجی، اثری از «پیکاسو» به نام «زنان الجزیره» است که پیش‌بینی می‌شود آن هم ۲۰ تا ۳۰ میلیون به فروش برسد.

عکس: شرق

گفت‌وگو با مایکل جها، مدیر بخش خاورمیانه موسسه کریستی

نمی‌توان ارزش احصایی و تناولی را نادیده انگاشت

پرویز براتی

مایکل جها ۱۳ سال است در موسسه کریستی فعالیت دارد. او که فارغ‌التحصیل رشته هنرهای زیباست، پیش زز تحصیل هنر، در رشته بیمه و سرمایه‌گذاری (insu- ance and investment) درس خوانده است. بعد از اتمام تحصیلات، به کریستی پیوست. از آن زمان به بعد در این موسسه مشغول به کار بوده است. این کارشناس هنر که اصالتا لبنانی است و در سال ۱۹۷۶ به دنیا آمده، در حال حاضر به عنوان مدیر بخش خاورمیانه موسسه کریستی در دوبی به فعالیت مشغول است. خودش می‌گوید از ۲۲ سالگی در کریستی کار کرده و تقریبا در عرصه تبادلات هنری آبدیده شده است. گفت‌وگویمان را که یک روز قبل از حراج ۱۹ آوریل ۲۰۱۱ در برج‌های دوقلوی امارات در دوبی انجام شده، در ادامه می‌خوانید.

■■■

بپردازیم به کریستی امسال. آیا دلیل خاصی دارد که در حراج امسال، ما شاهد افت ارزش آثار عرب و ترک بودیم؟

من این طور فکر نمی‌کنم. اگر به قیمت متوسط آثار (average lots value) نگاهی بیندازیم، بدون شک متوجه می‌شویم که قیمت این آثار، جزو بالاترین‌ها بوده است. ما در این جا تنها ۱۳۰ اثر عرضه کردیم که کوچک‌ترین حراجی است که تاکنون برگزار شده است.

البته آثار ایرانی در این حراج که تنها از یک کشور عرضه شده بود، شامل ۴۳ اثر می‌شد؛ ۴۳ اثر از یک کشور واحد به نام ایران در برابر ۱۰ کشور دیگر که تحت عنوان کلی جهان عرب شناخته می‌شوند...

ما عمدتا در حراج‌هایمان حدود ۱۸۰ و گاه ۱۶۰ اثر ارایه می‌کنیم. همان طور که اشاره کردم این حراج، کوچک‌ترین حراجی بود که تاکنون برپا کرده‌ایم. از قصد خواسته‌ایم که حراج کوچکی باشد؛ چون برای ما کیفیت از هر چیزی مهم‌تر بوده است. بنابراین در حراج امسال، با وجود کم‌تر شدن تعداد آثار، شاهد بالا رفتن ارزش کیفی کارها بودیم. در این حراج بین پنج تا هفت میلیون دلار شاهد افزایش ارزش آثار بوده‌ایم. این نکته اولی است که در مورد حراج امسال می‌شود گفت. نکته دوم این که، در حراج امسال برایمان مهم بود که آثار معاصر را به نمایش بگذاریم. تاکید امسال ما، علاوه بر تمرکز بر آثار معاصر، توجه بیشتر به کار برخی هنرمندان جوان نیز بوده است.

در واقع، در وهله اول تلاش ما برای جمع‌آوری برخی هنرمندان مشهور قدیمی که بعضا از دنیا نیز رفته‌اند، باعث شد تا مجموعه کوچکی را بتوانیم جمع‌آوری کنیم. بسیاری از این دسته آثار طی پنج سال اخیر در حراج کریستی به نمایش گذاشته شد و به فروش نیز رفت. در عین حال، تلاش ما برای ارایه آثار معاصر منجر به این شد که حراج امسال، بازار بین‌المللی‌تری داشته باشد. ما خواستار این بوده‌ایم که مردم سرتاسر جهان، آثار هنرمندان عرب، ایرانی و ترک را ببینند و بخرند.

بنابراین، امسال شاهد بازار بین‌المللی بودیم و تلاش کردیم که مجموعه‌داران جهان با آثار معاصر ایران، ترک و عرب آشنا شوند. به عنوان مثال در حراج کریستی که در اکتبر برگزار شد، شاهد خریدارانی از ۲۴ کشور مختلف بودیم. از جمله از کشورهای آمریکا، انگلیس، هنگ کنگ و.... ما قصد داریم روند بین‌المللی کردن ارایه آثار ترک، ایرانی و عرب را به این شیوه ادامه دهیم. فکر می‌کنم اهمیتی ندارد که ایران یک کشور است و جهان عرب بیش از ۱۰ کشور را شامل می‌شود. اعتقاد دارم این برای ایرانی‌ها یک نقطه مزیت است.

مدتی پیش در ایران با دکتر سمیع آذر از کارشناسان برجسته هنر مدرن و معاصر، صحبت می‌کردم و ایشان معتقد بودند که گرایش حراج، به سمت نمایش آثار معاصر رفته است. با این نقطه‌نظر موافق هستید؟

البته. در عین حال باید به کارهای کلیدی مدرن اشاره کنم که از جمله در آثار احصایی، تناولی، زنده‌رودی، مشیری – که معاصر هم هست – و در بین عرب‌ها، گریگوسیان، مدرس و... . قابل مشاهده است. آثار این دسته از افراد برای ما همواره بسیار حایز اهمیت بوده است. همین جا باید به این نکته اشاره کنم که ارایه بخشی از آثار در گروه کارهای مدرن، برای ما همواره اهمیت بسزایی داشته است. در کریستی همواره خواسته‌ایم که به هنر معاصر توجه ویژه داشته باشیم و هنر معاصر را بگسترانیم؛ زیرا این حقیقتی است که در میان کارهای معاصر موفق که خواهان دارد، نمی‌توان بزرگی کارهای احصایی، تناولی و... را نادیده انگاشت. ما تاکنون بسیاری از کارهای آنها را به فروش رسانده‌ایم. برای ما دشوار است و در عین حال شاید امکان‌ناپذیر که مجموعه‌داران را متقاعد کنیم این آثار را بفروشند یا پیش خود حفظ کنند. به همین دلیل داریم سعی می‌کنیم تا بازارهای حراج را بین‌المللی‌تر کنیم. معرفی آثار معاصر ایران، عرب و ترک، برای دست‌یابی به آینده‌ای پایدارتر از بازار منطقه، بسیار حایز اهمیت است.

امسال شاهد بازار بین‌المللی بودیم و تلاش کردیم که مجموعه‌داران جهان با آثار معاصر ایران، ترک و عرب آشنا شوند. ما قصد داریم روند بین‌المللی کردن ارایه آثار ترک، ایرانی و عرب را به این شیوه ادامه دهیم. فکر می‌کنم اهمیتی ندارد که ایران یک کشور است و جهان عرب بیش از ۱۰ کشور را شامل می‌شود. اعتقاد دارم این برای ایرانی‌ها یک نقطه مزیت است

آیا به نظر شما، انقلاب‌های عربی و جریان‌هایی که در حال حاضر بر کشورهای عربی منطقه از نظر سیاسی و اجتماعی سایه انداخته، اتفاقاتی اثرگذار روی مارکت هنر خواهد بود؟

بله. اگر با دقت به اتفاقات منطقه نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که همه چیز سریعا در حال تغییر و تحول است. می‌توانیم دقت کنیم که جریان به چه سمتی دارد می‌رود، اما در حال حاضر ما حراج را برگزار کرده‌ایم و همه هنرمندان منطقه را دور هم جمع کرده‌ایم. از طرف دیگر، موفق شده‌ایم حراج امسال را در کمال آرامش برگزار کنیم. اگر دقت کنید می‌بینید که همه چیز اینجا آرام است. به نظر من دوبی وضعیت بهتری نسبت به سایر کشورهای عربی دارد. در دوبی همه چیز سر جایش است. این را هم باید بگویم که بسیاری از مشتریان ما در سرتاسر جهان با ما همکاری کردند. ما هم به آن تعداد اندکی که خلاف این روند را با ما طی کردند، تکیه نکرده‌ایم. ما در حال حاضر، حجم بیشتری از خریداران را شاهد هستیم. در حراج قبلی که اکتبر ۲۰۱۰ برپا شد، دو هزار خریدار داشتیم. در واقع خریداران منطقه و سرتاسر جهان بیشتر شده‌اند. از این رو، به آینده خوش بینیم و امیدواریم که مشکل خاصی پیش نیاید.

به نظر شما، اتفاقات کشورهای عربی، بر هنر آینده این منطقه اثر خواهند داشت؟

البته. بسیاری از هنرمندان از این اتفاقات و جزییات آن الهام خواهند گرفت. در واقع شاید این جریانات بر نوع کار آنها اثر بگذارد. بدون شک، در آینده شاهد آثار هنری خواهیم بود که بازتابی از این اتفاقات است.

در این دوره از حراج، با توجه به نبود آثار هنرمندان هندی، امکان رقابت بین کارهای ایرانی، عربی و هندی میسر نشد. علت چه بود؟

امیدواریم دوباره بتوانیم آثار هندی را به دوبی بیاوریم. سعی خود را خواهیم کرد اما بعید است که این اتفاق در سال ۲۰۱۱ رخ دهد. اما شاید در سال ۲۰۱۲ آثار هندی را به نمایشگاه دوبی بکشانیم. در هر حال، این تلاش را برای آینده خواهیم کرد.

با توجه به فروش موفق آثار هنرمندان ایرانی در سال‌های قبل، شما موفقیت آثار ایرانی را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟

به نظر من نمایش آثار در روز سه‌شنبه ۱۹ آوریل، بسیار اثرگذار و موفق بود.

برای شکستن رکوردها، باید کارهای برجسته‌ای ارایه کرد. در واقع نیاز به کارهای خاص و منحصر به فردی است. آن اثر تناولی که ۲/۸ میلیون دلار فروش رفت، کار منحصر به فرد و شاخصی است که تا حالا رکوردش شکسته نشده. به نظر من ایرانیان در نمایش امسال خوب کار کردند. مخصوصا باید به آثار مشیری اشاره کنم که خیلی خوب فروش رفت.

به آثار فرهاد مشیری اشاره کردید. امسال اثری از این هنرمند به نام N619VT که در واقع نام عجیبی دارد، به قیمت ۳۳۸ هزار دلار فروش رفت. امکانش است در خصوص ویژگی‌های این اثر بگویید؟

مشیری مجموعه کارهای مختلف دارد. شامل مجموعه اعداد و حروف، مجموعه کارهای اکریلیک، مجموعه کارهای کوزه و... . آن اثر که شما نام بردید، از مجموعه اعداد و حروف است که باید بگویم یکی از گرانبهاترین کارهای او است. در واقع از بین تمام کارهایی که در مجموعه اعداد و حروف است، این اثر یکی از زیباترین‌ها است. از نظر کیفیت، زمینه و بافت، اثر بسیار گیرا، خارق‌العاده و زیبایی است. استفاده از حروف مختلف و متفاوت، باعث شده این اثر به نمونه واقعا زیبایی تبدیل شود.

نظرتان راجع به تاثیر کارهای مشیری بر هنرمندان جوان منطقه – مخصوصا هنرمندان ترک – چیست؟

واقعا نمی‌دانم. به سختی می‌توانم در این خصوص نظر بدهم. به نظر من مطمئنا تاثیر کار هنرمندان بر یکدیگر وجود دارد؛ با این حال، آثار هر هنرمند منحصر به خود وی است، هر چند که هنرمندان از یکدیگر نیز الهام می‌گیرند.

برای کدام یک از هنرمندان ایرانی، آینده درخشانی را می‌بینید؟

ترجیح می‌دهم اسمی نبرم و در این خصوص، بی‌طرف بمانم!

وقوع بحران‌های مالی در جهان و تاثیر آن بر فروش و ارزش‌گذاری آثار هنری در حراج کریستی را چطور می‌بینید؟ آیا می‌توانید آن را توضیح دهید؟

آن چه در سال ۲۰۰۹ رخ داد تاثیراتی داشت و پس از بحران، اطمینان و دلگرمی دوباره بازگشت. ما بعد از بحران مالی، حدود سه میلیارد پوند در سرتاسر جهان فروش داشتیم که رکورد فروش را در تاریخ حراج شکست. علت آن هم به کیفیت بالای آثاری که نمایش می‌گذاشتیم، و همچنین توجه روزافزون مردم در سرتاسر جهان به موضوع بازار هنر بر می‌گردد.

آیا دلیل خاصی دارد که در حراج امسال، ما شاهد آثاری از مجموعه دکتر فارسی نبودیم؟

نه. فکر می‌کنم آثار دکتر فارسی را طی دو حراج قبل به خوبی به فروش رساندیم. در واقع، آخرین حراج در اکتبر گذشته، منجر به فروش بخش باقی مانده آثار دکتر فارسی شد و به همین علت دیگر اثری از این هنرمند برای نمایش نداریم. دلیل دیگری ندارد.

بزرگ‌ترین چالش‌های شغلی شما چیست؟

سوال مهم و در عین حال بزرگی کردید. بزرگ‌ترین چالش‌های شغلی من شامل چگونگی کمک به رشد و ارتقای کیفی بازار، توسعه کمی بازار، چگونگی تلاش برای برخورداری از ثبات و پایداری در نمایش آثار هنری و چگونگی تلاش برای جلب مشارکت با سایر بازارها می‌شود.

اهداف شخصی و حرفه‌ای آینده شما را چه چیزهایی تشکیل می‌دهد؟

هدف اصلی حرفه‌ای ما عمدتا شامل تلاش برای گسترش فعالیت‌های بازار کریستی در خاورمیانه است. سعی داریم موقعیت ممتاز کریستی را در خاورمیانه ارتقا دهیم. هدف ما توسعه و معرفی آثار هنرمندان معاصر خاورمیانه و بین‌المللی کردن این بازار است؛ زیرا کاملا به این بخش اعتقاد دارم. همچنین، قصد دارم تا نقش خود را در این سازمان و سازماندهی برای تحقق این اهداف، گسترش دهم.

قصد دارید برای همیشه در دوبی متمرکز شوید؟

بله. برنامه ما برای همیشه در دوبی خواهد بود و برنامه دیگری نداریم.

متن‌وتصویر

واکنشی کلامی به آثار بصری

«متن و تصویر» اسم‌اش رویش است: واکنشی است کلامی به صورت هفتگی به رویدادهای هنری و تجسمی اطراف‌مان از طریق گذاشتن متنی کوتاه‌تر از ۲۰۰ کلمه در کنار تصویری کوچک. بیشتر از آنکه نقد باشد، معنادهی مجدد است و افزودن حاشیه‌ای به متنی که به‌صورت بصری چیزی را می‌گوید. آرشیو کامل نقدهای هفتگی را می‌توانید روی وب‌سایت «متن و تصویر» به آدرس http: //reviews .behpoor.com ببینید.

باوند بهپور: آثار جدید فرهاد فزونی را که به شیوه خود به رابطه میان متن و تصویر می‌پردازند باید جدی گرفت. از شعرهای تصویری‌اش گرفته که به جای اینکه «چاپ» شده باشند، قاب شده‌اند و اول‌بار بر روی دیوار گالری طراحان آزاد آنها را دیدیم تا شعر رنگین‌اش که در مجله «هنر فردا» به صورت یک صفحه تبلیغ چاپ شد و هیچ‌کس ندیده از آن نگذشت: خوانندگان را مجبور می‌کرد یک لحظه درنگ کنند و به چیستی این «چیز» بیندیشند.

این نقشه‌ها هم که در گالری آران ارایه شد از همین سنخ‌اند و حتی جذاب‌تر: از یک سو پیوندی هستند بین شعر و مکان؛ نقشه‌ای از تهران است که در هر گوشه‌اش چیزی نوشته شده و تو را به این فکر می‌اندازد که هر جمله‌اش چه‌گونه به تجربه هنرمند از آن مکان مربوط می‌شود. از سوی دیگر، شیئی است که دلت می‌خواهد داشته باشی: به یک معنا آن‌قدرها هم «اثر هنری» نیست. این خارج کردن شعر از قالب‌های نشر سنتی آن، البته بی‌سابقه نبوده است اما فرهاد فزونی وقتی آن را در زمینه شعر فارسی انجام می‌دهد و این البته برای ما بی‌معناتر است.

تنها خرده‌ای که می‌توان بر این آثار گرفت، این است که متن‌هایشان هنوز شعرند در معنای رمانتیک کلمه: این جابه‌جایی چیزی را در قالب شعری‌شان، لحنی که دارند و رویکردشان به زبان تغییر نداده است. لایه زبانی و بصری هنوز از هم جدایند.

نگاه کارشناس

ایرانی‌ها آثار عرب‌ها را هم می‌خریدند

آرتور گوره

هنر مدرن

■ امسال حراج ۱۹ آوریل کریستی در دوبی در حالی برپا شد که به وضوح، شاهد رونق تبادلات آثار هنری معاصر (Contemporary Art) بودیم. اگر بخواهم ارزیابی‌ای کلی از این حراج داشته باشم، باید بگویم حراج بسیار خوبی بود. در زمان چکش خوردن آثار در سالن بودم و دیدم که جنب و جوش خاصی در سالن حکمفرماست. خصوصا در زمینه هنرهای معاصر این جنب و جوش بیشتر به چشم می‌خورد. با توجه به تمرکز روی هنر مدرن و معاصر خاورمیانه، باید بگویم قبلا امکان مشاهده آثار مدرن بیشتر بود؛ اما در حال حاضر شاهد تغییر رویه در حراج هستیم و تمرکز آن بیشتر بر آثار معاصر منطقه قرار گرفته است.

این مساله طی یکی، دو سال اخیر قوت گرفته و فکر می‌کنم طولی نمی‌کشد که هنرمندان معاصر یکه‌تاز فضای هنری جهان و به تبع آن خاورمیانه می‌شوند.

در این میان آثار ایرانی‌ها و عرب‌ها همچون همیشه، پیشتاز بود. در کنار فروش خوب چیدمان عبدالناصر غارم با عنوان «پیام، پیام‌رسان» که به مبلغ ۸۴۰ هزار دلار فروخته شد، فروش آثار جواد سلیم و محمد احصایی، دو هنرمند عراقی و ایرانی حایز توجه بود.

همچنین هنرمندی مصری به‌نام عبدالهادی الجزار که سال ۱۹۶۵ در جوانی درگذشته، با اثری به نام «ماهیگیری» به رقم فروش ۷۴۰ هزار دلار دست یافت. جواد سلیم با مجسمه‌ای کوچک به نام «فیگور ایستاده» به رکورد ۶۶۲ هزار دلاری و هم محمد احصایی هم با یکی از کالیگرافی‌های برجسته‌اش تحت عنوان «عشق» به رقم فروش ۴۵۸ هزار دلاری رسید.

در مورد آثار هنرمندان ایرانی، باید بگویم آثار خوبی ارایه شد. البته فکر می‌کنم قبلا آثار بهتری از ایرانی‌ها را شاهد بودیم. با این حال در کنار احصایی، کارهای مشیری طبق معمول خیلی خوب بود.

برآورد آثار این هنرمند هم خوب تعیین شده بود و فروش آنها هم خوب بود. با اینکه آثار مشیری مثل همیشه، درخشان بود ولی باید بگویم کارهای او به خوبی سال‌های قبل نبود. البته هنرمندان دیگری هم بودند که کارشان مهم بود؛ از جمله سارا

رهبر و رامین حائری‌زاده. این دو هنرمند، فروش خوبی داشتند. اما خریداران ایرانی بسیار پراکنده بودند و به خرید آثار عرب هم می‌پرداختند. شاید بهتر باشد که مجموعه‌داران و خریداران ایرانی اهتمام و توجه بیشتری به آثار هنرمندان هم وطن خود داشته باشند.

می‌دانیم که عمده خریداران آثار هنرمندان عرب، مجموعه‌دارانی از جهان عرب هستند و تمرکز آنها طی این یکی، دو سال روی هنر این خطه باعث رقم خوردن فروش‌های طلایی شده است.

نتایج سرمایه‌گذاری‌های آنها روی هنر عرب جواب داده و ما طی یک سال گذشته شاهد دو رکورد بالای دو میلیون دلار برای جهان عرب بوده‌ایم؛ بنا بر این خوب است خریداران و مجموعه‌داران ایرانی قدری بیشتر روی آثار هنرمندان ایرانی حساب باز کنند تا باز شاهد فروش‌های طلایی برای هنرمندان ایرانی باشیم. امیدوارم در حراج آینده کریستیی که ماه اکتبر در امارات برپا می‌شود شاهد افزایش سرمایه‌گذاری مجموعه‌داران و خریداران ایرانی روی هنر کشور خودشان باشیم. در این صورت دیگر ایران یک کشور نخواهد بود و جهان عرب ده کشور پاره‌پاره.